

درباره کتاب تازه انتشار یافته «امپراتوری پنبه»

# استعمار؛ روزگاری که با پنبه سرمایه‌های برید



عاطفه جعفری

روزنامه‌نگار

استمش هم جالب است و کنجکاو را انگیز. شو عشی کمی سخت اما در ادامه آنقدر جذاب می‌شود که مخاطب نمی‌تواند کتاب را زمین بگذارد و ۲۰۰ صفحه آن را با علاقه دنبال می‌کند. کتاب «امپراتوری پنبه» قرار است از سرمایه‌داری بگوید، از سرمایه‌داری‌ای که بر جهان سیطره انداخته است و زندگی مردم را تحت تأثیر قرار داده، امپراتوری پنبه، در یک مقدمه و ۱۴ فصل، به روند صنعتی شدن پنبه و اثرات آن بر جهان، خصوصاً جهان سرمایه‌داری پرداخته است. اسون بکرت، نویسنده این کتاب، مورخ و استاد دانشگاه هاروارد، متخصص تاریخ قرن نوزدهم

و تاریخ جهانی شدن است. او در این اثر با تمرکز بر افشار کمتر دیده‌شده در تاریخ به اثرات آنها بر جامعه و انسانیت می‌پردازد. ضمن اینکه کتاب، با نشان دادن ابعاد پنهان یک موضوع به ظاهر کم‌اهمیت سراغ منازعات انسانی رفته است. درحقیقت اسون بکرت در این کتاب افقی جهانشمول دارد و با نشان دادن اهمیت پنبه و روند صنعتی شدن آن، به مسائلی پرداخته است که تاکنون کسی آن را ندیده یا نخواست به بیند.

یکی از مهم‌ترین این مسائل، سرمایه‌داری جنگ است. سرمایه‌داری جنگ، شکل واقعی سرمایه‌داری است؛ بدوی، خشونت‌بار و ضدانسانی. چیزهایی که طی این سال‌ها در تغییر سرمایه‌داری دیده‌ایم در واقع پوسته‌ای است در پنهان کردن آنچه به کام مردم تلخ است. در این گزارش بخش‌هایی از اثر را بازخوانی می‌کنیم تا ببینیم که چرا نویسنده به سمت نوشتن این کتاب رفته است؟



## یک حاشیه به نام پنبه؛ یک اصل به نام سلطه!

ریسندگی و بافندگی و با نوآوری و ابداعات شگرف، کارخانه‌های غول‌پیکرشان را یک‌به‌یک در حاشیه‌روخانه‌ها علم کردند. پس از آن دانش ریسندگی و بافندگی و مدل کارخانه‌داری لاجرم با سرعتی شگفت‌آور به سرتاسر اروپا، به مکزیک و آمریکای جنوبی و به مصر و آفریقای غربی رسیدند. جهان در این میان با دو پدیده به‌ظاهر متضاد در بهره‌گیری از نیروی کار روبه‌رو بود، نیروی کار مزدبگیر در برابر نیروی کار برده‌ها. هم‌زمان که تشکیلات کارگری در اروپا روبه‌روز منسجم‌تر می‌شد و کارگران به استعمار کشیده‌شده خواسته‌های خود از قبیل قراردادهای کاری دائم، کم کردن ساعت کار و افزایش حقوق را در قالب اعتصابات و اعتراضات و بعضاً آشوب‌های خرابکارانه دنبال می‌کردند، در آمریکا هم جنگ داخلی میان نیروهای کنفدراسیون در جنوب و نیروهای اتحادیه در شمال سرنوشت برده‌داری را برای همیشه تغییر می‌داد. در اواخر قرن ۱۸ وقتی جنگی سخت میان برده‌داران جنوب و نیروهای طرفدار الغای برده‌داری در شمال شکل گرفت، صنعت پنبه برای چهارسال با رکودی چشمگیر مواجه شد. مزارع برده‌داری از برده‌ها خالی شد، تولید پنبه به‌طور قابل توجهی کاهش یافت و چرخ‌های کارخانه‌های ریسندگی در اروپا و بخش‌های دیگر جهان از کار افتاد. با شکست نیروهای کنفدراسیون و لغو برده‌داری هراس صنعتگران از آینده دنیای پنبه روبه‌روز افزایش می‌یافت. سیاه‌پوستان امیدوار به پایان برده‌داری اما در دهه‌های آتی با واقعیتی دیگر مواجه شدند؛ سرمایه‌داری متاخر این بار بر پایه مجموعه‌ای از قوانین استثماری که از سوی دولت‌ها حمایت می‌شد به‌پیش رفت. قوانین مالکیت زمین و نیروی کار همچنان نیروی کار به‌اصطلاح آزاد را در زیر قید خویش نگه داشت. جهانی که پیش از این توسط امپراتوری‌های قدرتمند یا مجموعه‌ای از سرمایه‌داران ساخته شده بود، حالا توسط دولت-ملت‌های قوام یافته و شبکه‌های جهانی هدایت می‌شد. سرمایه‌داری متاخر حالا فرصت تاخت‌وتاز یافته بود. علی‌رغم آنکه سرمایه‌داری صنعتی - که در دهه ۱۷۸۰ میلادی در انگلستان آغاز شد و بعد به کل قاره اروپا و آمریکا کشیده شد - قدرت بزرگی به دولت‌های سرمایه‌داری و سرمایه‌داران آنها بخشید، اما بذریک تحول دیگر را هم در امپراتوری پنبه کاشت. همان‌طور که سرمایه‌داری صنعتی پیش می‌رفت، سرمایه‌به‌خودی خود به دولت‌های خاصی گره می‌خورد و همان‌طور که دولت نقش مرکزی بیشتری را بر عهده می‌گرفت و به‌عنوان قوی‌ترین و بادوام‌ترین نهاد به‌سرعت ظهور می‌کرد و گسترش می‌یافت، کارگران هم به‌همان اندازه به قدرت می‌رسیدند. وابستگی سرمایه‌داران به دولت و وابستگی دولت‌ها به مردم، به کارگرانی که آن سرمایه‌ها را هر روز در کف کارخانه‌ها تولید می‌کردند، قدرت بخشید. تا نیمه دوم قرن نوزدهم، کارگران همگی در اتحادیه‌ها و احزاب سیاسی سازمان یافته بودند و به آرامی طی چنددهه دست‌مزد و شرایط کاری خود را بهبود بخشیده بودند.

این، به‌نوبه خود باعث افزایش هزینه‌های تولید و ایجاد فرصت‌هایی برای تولیدکنندگان کم‌هزینه‌تر در سایر نقاط جهان شد. با آغاز قرن بیستم، مدل سرمایه‌داری صنعتی به کشورهای دیگر سفر کرده بود و توسط نخبگان آنها پذیرفته شده بود. در نتیجه، صنعت پنبه اروپا و نیوانگلاند را ترک کرد و به زادگاه خود یعنی جنوب جهانی (کشورهای درحال توسعه) بازگشت.

این کتاب درباره این‌گیا که برای قرن‌ها در واقع درباره آن است و نیست. این کتاب از یک حاشیه به اصل ماجرا می‌رسد؛ از اینکه چگونه یک‌گیا سرنوشت جهان را دگرگون کرد و باعث قدرت یافتن چند نقطه در آن شد. این کتاب درباره سرنوشت میلیون‌ها زن و مردی است که در این حلقه تولید وجود داشتند، درباره شگفت‌آوری که قطب‌های متضاد را به ثروت تبدیل کرد: «بردی و کار آزاد»، «دولت و بازار»، «استعمار و تجارت آزاد» و «صنعتی‌سازی و صنعتی‌زدایی». این کتاب برای ذهن‌های پرسشگر و کسانی که به دنبال پاسخ پرسش‌های بزرگ درباره چگونگی خلق چیزی که آن را امروز فریبکاری (نظم نوین) می‌خوانند، یک راهنماست. یک چراغ روشن و یک زبان ساده با داستانی روایی از سفری پنج‌هزار ساله از میان تاریخ جهانی برای رسیدن به یک پاسخ اساسی: «غرب و جهان سرمایه‌داری چگونه به این جایگاه امروزی‌اش رسیده است؟»

امپراتوری پنبه؛ نامی که در ابتدا عجیب و متناقض به نظر می‌رسد.

پنبه در کنار واژه امپراتوری در نگاه اول چندان باسما نیست. یکی از دوستان بعد از دیدن نام کتاب از من پرسید آیا واقعا در این عنوان، پنبه همان پنبه‌ای است که روی زمین‌ها کشت می‌شود یا استعاره از چیز دیگری است؟ پاسخ اما همان پنبه واقعی است. همان پنبه‌ای که هزاران سال در چین و هندوستان و بعدها در کارائیب و مکزیک و سرتاسر دو آمریکا و بخش‌هایی از اروپا در فرانسه و آلمان و نواحی جنگل‌های سیاه کشت شد. یک گیاه کوتاه و بتنی با ساق‌های خاردار که در انتهای هر ساقه غنچه‌ای سفیدرنگ از میان گلبرگ‌های خشک خودنمایی می‌کند؛ غوزه‌های سفیدی که تاریخ جهان را پیش از انقلاب صنعتی و تا قبل از قرن ۱۶ میلادی تغییر داد. در واقع نزدیک به ۹۰۰ سال از سال ۱۰۰۰ تا ۱۹۰۰ میلادی، پنبه مهم‌ترین صنعت تولیدی بشر بود. اگرچه امروز صنایع بزرگ دیگری روی کار آمده‌اند، اما صنعت پنبه هنوز هم به‌عنوان یک صنعت بزرگ که میلیون‌ها نفر در آن کار می‌کنند، برای انسان مهم و حیاتی است. این صنعت آنقدر همه‌جاگیر است که در سال ۲۰۱۳ حداقل ۱۲۳ میلیون عدل پنبه (هر عدل پنبه حدودا ۱۸۰ کیلوگرم است) در جهان تولید شد.

باورش سخت است اما درحالات همه این‌سال‌ها پنبه برای بخش‌های بزرگی از زمین در اروپا و اوراسیا شناخته شده بود. طوری که اروپاییان در سرزمین‌هایی که امروز به نام آلمان شناخته می‌شود با دیدن پنبه آن را گیاه گوسفند خواندند؛ گیاهی که از آن پشم گوسفند زاید می‌شود. تا سال ۱۷۰۰ تولید پنبه و منسوجات پنبه‌ای در سلطه تمام و کمال هندوستان و چین بود اما تا انتهای قرن همه چیز تغییر کرد. سرمایه‌داران دولت‌های اروپایی با سرعتی شگفت‌انگیز مرکز صنعت جهانی پنبه را جایی‌جا کردند و



با استفاده از موقعیت خود یک انقلاب صنعتی را رقم زدند و چین و هند را به تابعیت خود درآوردند. اروپا به‌تدریج بهره‌گیری از صنعت پویایی پنبه خود صنایع دیگری را هم ایجاد کرد و پنبه به‌عنوان سکوی پرتاب برای یک انقلاب بزرگ شد. پنبه ناگاه منشأ و ریشه دنیای مدرن، صنعتی‌سازی، رشد سریع و ادامه‌دار اقتصادی قدرت‌ها و افزایش چشمگیر تولید و نابرابری گنج‌کننده اقتصادی و اجتماعی در جهان ما شد. تاریخدانان، دانشمندان علوم سیاسی و اجتماعی در طول چنددهه از زوایای مختلف تلاش کردند که بفهمند این «واگرایی بزرگ» چطور اتفاق افتاد. این کتاب از یک منظر حاشیه‌ای اما جهانی، برای نخستین بار به این موضوع می‌پردازد و تلاش می‌کند نشان دهد اروپایی‌ها چگونه قدرت سرمایه و دولت را در اتحاد با خشونت‌ی غیرقابل وصف به‌خدمت گرفتند تا آن مجتمعات جهانی را بر پایه سرمایه، مهارت، روابط، شبکه و سازمان‌ها و نظام‌های مالی و اداری بنیان بگذارند. در این کتاب با اصطلاحی جدید آشنا می‌شویم: «سرمایه‌داری جنگ» و این همان چیزی است که دنیای صنعتی امروز بر آن سوار شده است. یک پیش‌درآمد خونبار از ظهور سرمایه‌داری جهانی که با کشتار، غارت، سلب مالکیت اراضی و به بند کشیدن انسان‌ها همراه شد؛ آغاز انباشت ثروت و قدرت در مجموعه نهادها و دولت-ملت‌هایی که تا امروز بر جهان ما فرمانروایی می‌کنند. فتح سرزمین‌ها و به اسارت گرفتن میلیون‌ها انسان در قاره آفریقا و کوچ اجباری آنها به آمریکا برای کار روی مزارع پنبه پایان ماجرا نبود. اروپا در آن سوی آب‌های اقیانوس اطلس، با استفاده از پنبه‌های تولیدشده توسط برده‌ها، چرخ‌های کارخانه‌های خود را با کمک زنان حاشیه‌نشین روستایی و کودکان به استعمار کشیده‌شده از نوانخانه‌ها و کلیساها و یتیم‌خانه‌ها با همان ضرباهنگ خشن و سودجویانه می‌چرخاند. مردان دست به آچار انگلیسی با بهره‌گیری از قرن‌ها تجربه در آسیا و خاورمیانه و بعضاً با جاسوسی و سرقت اطلاعات ساخت دستگاه‌ها و ادوات

## امپراتوری پنبه چه می‌گوید؟

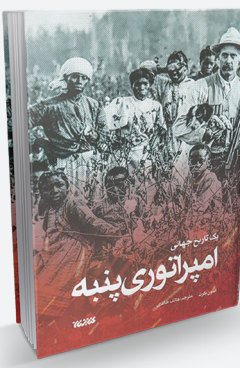
بشر را رقم زده است؛ پنبه، درحالی که در عصر کارخانه‌های آهن و فولاد و مواد شیمیایی و ماشین‌آلات الکتریکی به‌وضوح در اقتصاد جهانی کم‌اهمیت‌تر می‌شد، با یک تغییر بزرگ جغرافیایی، خبر از دوره جدیدی از سرمایه‌داری جهانی می‌داد. «وی حتی تصورات ما را از تاریخ سرمایه‌داری این‌گونه به‌چالش می‌کشد: «ما خیلی وقت‌ها، به‌خاطر میل و اشتیاق مان برای ساختن یک سرمایه‌داری شریف و پاکیزه، ترجیح می‌دهیم که واقعیت برده‌داری، سوءاستفاده و استعمار را از حافظه تاریخ پاک کنیم. ما تمایل داریم تا سرمایه‌داری صنعتی را یک امر مردانه عنوان کنیم درحالی که اتفاقاً این نیروی کار زنان بود که تا حد زیادی امپراتوری پنبه را ایجاد کرد. پایه و اساس بیشتر زندگی معاصر ما سرمایه‌داری شکل داده است. سرمایه‌داری نه‌فقط از منظر اقتصادی و مادی که عمیقاً به‌صورت احساسی و ایدئولوژیک زندگی ما را تحت تأثیر قرار داده است. گاهی وقت‌ها نادیده گرفتن حقایق تلخ ساده‌تر است. «اسون بکرت از نوعی از سرمایه‌داری حرف می‌زند که خود آن را سرمایه‌داری جنگ می‌نامد: «ما معمولاً وقتی از سرمایه‌داری، حداقل آن مدل جهانی‌اش، سخن می‌گوییم، در ذهن مان به نوعی تولید انبوه که از آغاز ۱۷۸۰ میلادی با ظهور انقلاب صنعتی پدید آمد فکر می‌کنیم. اما سرمایه‌داری جنگ که از قرن شانزدهم شروع به رشد کرد، خیلی زودتر از ماشین‌ها و کارخانه‌ها پدید آمد. سرمایه‌داری جنگ نه‌از دل کارخانه‌ها که از میان زمین‌های کشاورزی شکوفا شد.

این چیزی نبود که با ماشینی شدن به‌وجود بیاید، بلکه پیش از آن با سلب مالکیت زمین‌ها و بهره‌کشی شدید نیروی کار در آفریقا و آمریکا شکل گرفته بود. از آن سلب مالکیت‌ها، ثروت و ثوابت‌ها در دست‌های جدیدی پدید آمد که باعث تمدن‌شدن نهادها و بینگاه‌ها و دولت‌های اروپایی شد و این تمام پیش‌شرط‌های حیاتی برای توسعه اقتصادی فوق‌العاده اروپا در قرن نوزدهم و فراتر از آن بود. خیلی از مورخان، این دوره را سرمایه‌داری «تجار» یا سرمایه‌داری «تجارتی» نام گذاری کرده‌اند، اما «سرمایه‌داری جنگ»، عبارتی است که خلوص و خشونت‌تری را که با گسترش امپراتوری اروپایی پیوند خورده است، بهتر توضیح می‌دهد. سرمایه‌داری جنگ، این دوره مهم اما کمتر شناخته‌شده در توسعه سرمایه‌داری، خود را در یک مجموعه همیشه در جبهه‌جایی و بارابلقی که در اندام در حال تغییر بودند آشکار کرد. در بعضی جاهای دنیا، سرمایه‌داری جنگ گاهی تابایان قرن نوزدهم به‌طول انجامید. «وی اضافه می‌کند: «سرمایه‌داری جنگ پایه و اساس چیزی شد که از آن سرمایه‌داری آشنای صنعتی تکامل یافت، سرمایه‌داری‌ای که با قدرت دولت‌ها و تشکیلات عظیم اداری، نظامی و قضایی و با ظرفیت‌های زیربنایی عظیم شناخته می‌شود. در ابتدا سرمایه‌داری صنعتی به‌صورت تنگاتنگی با برده‌داری و سلب مالکیت زمین‌ها مرتبط ماند، اما از آنجایی که نهادها سازمان‌ها به‌مرور در همه‌زمینه‌ها از حقوق کارگران گرفته تا حق مالکیت، قدرت یافتند، شکل جدید و متفاوتی از ادغام کار، مواد خام، بازارها و سرمایه در بخش‌های بزرگی از جهان ایجاد شد. «هوف در اثبات این نظریه که امپراتوری پنبه تاریخ جهان مدرن را شکل داده است، می‌نویسد: «در اغلب موارد، آرزوسازی برده‌ها و ظهور امپریالیسم جدید دست در دست هم در کنار هم رخ می‌داد. برده‌داری تبدیل به نیروی کار آزاد شد، حاکمیت محلی جای خود را به دولت-ملت‌ها و امپراتوری‌ها داد، راه‌آهن جای خورش و رگتر از سرمایه‌داری جنگ تبدیل به انقلاب علمی کشاورزی شد و همه اینها توسط استعمارگرانی انجام می‌شد که از تجربیات کسب‌شده از سرمایه‌داری صنعتی بهره می‌بردند. دولت‌هایت، سلطه‌نظامی، زیرساخت‌ها و حقوق مالکیت بر زمین‌ها را بر معنای آوردند و هم‌زمان که این دولت‌ها شبکه‌های جهانی را تشکیل می‌دادند، شبکه‌های جهانی هم در عوض به قدرتمندتر شدن دولت‌ها کمک می‌کردند. «نویسنده کتاب «امپراتوری پنبه؛ یک تاریخ جهانی» در آخرین جملات این‌گونه کتابش را تمام می‌کند: «انقلاب سرمایه‌داری به‌طور دائم در حال دوباره ساختن دنیای ماست؛ درست مثل دنیای کارخانه‌ها که به‌طور دائم در حال ساختن چیزهای جدید است. شاید این رویای خوارزمی به تحقق پیوندد.»

## وقتی از تاریخ‌نگاری مساله محور حرف می‌زنیم، از چه حرف می‌زنیم؟

## نگاهی به کتاب «امپراتوری پنبه؛ یک تاریخ جهانی»

این روزها انتشارات کتابستان معرفت کتابی را به بازار عرضه کرده که ترجمه‌ای است از کتاب Empire of Cotton: A Global History of Cotton. به قلم مورخ شهیر معاصر «اسون بکرت»، بکرت تاریخ‌دان آمریکایی و استاد کرسی لایردیل در دانشگاه هاروارد است و آثاری انتقادی درباره امپریالیسم و ریشه‌های تاریخی آن به‌رشته تحریر درآورده است. این کتاب کوششی ناب از بکرت است که تاریخ را از زاویه پنبه و فراز و فرود آن را با لحنی نقادانه روایت کرده است. این کتاب که با ترجمه روان و تحسین‌برانگیز «عاطفه خالدی» به طبع رسیده است، به‌صورت مساله‌محور تاریخ استعمار را در پیچ‌های گیاهی بررسی کرده و حاصل کار نگاه صریح به موضوعی مهم به نام پنبه و تأثیرات اجتماعی و اقتصادی آن در قرن ۱۹ و ۲۰ است. این کتاب مثال روشنی است از تاریخ‌نگاری مساله‌محور که مورخ بر اساس آن تاریخ را با خوانشی جدید را مولود پنبه می‌داند و پنبه‌خوبی آن را ریشه‌یابی می‌کند و تصویری جدید از حیات بشر پیش چشم می‌آورد. این کتاب می‌تواند راهنمای خوبی برای نوآموزان تاریخ باشد تا بدانند که چطور می‌توان تاریخ را از صرف معرفتی تجربه‌افزودار و بساطت علم دور کرد و به نقد نگاه نقادانه کرد و از آن علم به‌معرفت بشر افزود؛ اینکه نگاه نقادانه هم به آن اضافه شود، احوال روزگار ماست که با پدیده تردید به‌بن‌مایه‌های خودنگاه می‌کنیم و این کتاب این‌نگاه را تغذیه می‌کند. «امپراتوری پنبه، یک تاریخ جهانی» سعی کرده با رویکردی غیرجانبدارانه از زبان دانشمندی که خود تحصیل‌کرده و زیسته غرب و فضای سرمایه‌داری است، روایت‌های تاریخی را به‌چالش بکشد. خوانندگان این کتاب به کسانی توصیه می‌شود که می‌خواهند ارزیابی بهتری از سازه‌های دنیای امروز داشته باشند.



از همه‌دعواهای تاریخی دعوی‌های جای‌گذاری تاریخ است. هنوز که‌هنوز است بر سر اینکه تاریخ علم است یا دانش، معرفت و آگاهی است یا فن و حرفه؛ بحث مفصل است و هیا هواری. همچنان دوندیسه‌طرفداران پروای قرض خودش را دارد و هر کدام دلایل مسموعی می‌آورند. دسته‌ای تاریخ را صرفاً معرفتی می‌دانند که با دانستن آن تجربه‌ای به‌دست می‌آوریم. دسته‌ای با مثال مدعی‌اند که تاریخ و تاریخ‌نگاری علمی است مبتنی بر علوم دیگر و این‌گونه باید آن را علم دانست. علوم‌شناختی، علوم‌فنی و علوم آزمایشگاهی کمک کار تاریخ‌نگارند. پس آنچه تاریخ‌نگار به‌دست می‌دهد، علم است. آنچه کمی این نزاع را کم‌رنگ‌تر و حرف‌دو طرف را تاید و نظر جدیدی را خلق می‌کند، روش‌های نوین تاریخ‌نگاری است. از ابتدا آنچه در تاریخ‌نگاری مطرح بوده، گزارش احوال و روزگار حکومت‌ها و سیاستمداران است که به آن تاریخ سیاسی می‌گویند؛ همانی که معروف است فاتحان می‌نویسندش. در این میان گاهی لایه‌لای تاریخ‌نگاری‌ها به‌مدن و اجتماع هم‌نظری انداخته‌شده و تاریخ اجتماعی جاهایی خودی نشان داده است. بی‌شک تاریخ سیاسی نقش پررنگ‌تری داشته و تاریخ اجتماعی سن کمتری دارد. این روزها «تاریخ‌نگاری مساله‌محور» رویکردی است که مورخان را به خود مشغول داشته است و می‌توان با خیال راحت‌تری نتیجه آن را علم دانست. رویکردی که در آن مورخ تاریخ را از زاویه مساله‌ای خاص بازخوانی و بازبینی می‌کند و به کمک روش‌های تحلیلی و فرامنتی‌قارنتی جدید از گذشته‌ها به‌دست می‌دهد.